

وصلتت مبارک

طرف ایرانی با طرف کوبایی

(قسمت دوم)

امیر فیض- حقوقدان

در قسمت نخست^۱ تحریر دوماوضوع، یکی درخواست طرف ایرانی و کوبایی از آمریکا برای خودداری دولت آمریکا از گفتگو و مذاکره با حکومت کشورشان، و دیگری ردیف ۹ تحریر مزبور، جامعه مدنی و مبارزه مدنی و مقاومت مدنی نیاز به تکمله ای دارد.

در مورد اصرار متمادی طرف ایرانی به عدم مذاکره آمریکا با دولت ایران، فایننشیل تایمزدرنسخه ۱۵ فروردین ماه سال ۸۵ نوشت: «دولت بوش به موازات راه اندازی دوباره خانه آزادی، مبلغ ۸۵ میلیون دلار به حمایت از دمکراسی و امتناع دولت از مذاکره با ایران تخصیص داد».

(نجمه بزرگمهر- بی بی سی)

این خبرنگار می دهد که فعالیت ها و اصرارهای مدام برای جلوگیری از مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی، برنامه خود آمریکا بوده که بودجه مفصلی هم برای راه اندازی آن تخصیص داده شده بود و بموازات تخصیص بودجه مزبور، فکروخواست خودداری آمریکا از مذاکره با جمهوری اسلامی ابداع و ببازار مبارزه عرضه شد و اعلیحضرت، متولی اعلام و پیگیری خواست مزبور شدند.

یعنی آمریکا میخواست این منت را بر سر جمهوری اسلامی بگذارد که علیرغم مخالفت اپوزیسیون، آمریکا با جمهوری اسلامی مذاکره میکند.

در مورد جامعه مدنی

آقای سهراب رازقی رئیس کنشگران داوطلب تعلیم فعالیت های اجتماعی و مدنی که بوسیله جمهوری اسلامی فعالیتش متوقف شد گفت: «فعالیت های جامعه مدنی به دلیل برنامه کمک های آمریکا پرهزینه تر از فعالیت های سیاسی شده است و اکنون دولت ایران این گروه ها را به چشم اسب تراوا و ستون پنجم نگاه میکند» همو گفت: «در دوران خاتمی تا اوائل دوران احمدی نژاد ۸۰۰۰ سازمان و جامعه مدنی در ایران وجود داشت که با آمدن احمدی نژاد به یک سوم تقلیل یافت»

(فایننشیل تایمز - نجمه بزرگمهر)

هرگز ماتمیدانستیم که در رابطه با کمک مالی آمریکا به فعالیت های مدنی ۸۰۰۰ سازمان در ایران تحت عناوین مختلف بوجود آمده که حتی برای آمریکا پرهزینه تر از فعالیت های سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی است!

هیچکس نمیداند که در خارج کشور چند سازمان و بنگاه خیریه و بنیاد و کانون های مدنی به فعالیت (بخوانید به لاشخوری پول آمریکائی ها) مشغولند تنها سنگردر جریان دوتا از آنها قرار گرفت که یکی تحت عنوان مرکز اطلاعات و اسناد ایران بوسیله شاهین فاطمی درپاریس مدیریت میشد؛ قضیه مرکز مزبور در روزنامه ها منعکس شد و آقای قاضی سعید در کتاب خاطرات ۶ ساله خود نوشت: «مرکز اسناد ایران یک پوشش برای دریافت پول از آمریکا بوده است» آقای اسلام نیاهم نوشت «به بهانه آمار و اطلاعات، سیا بوسیله دانشگاه ها پول در اختیار افراد و از جمله شاهین فاطمی میگذارد» و دومی بنیاد سیرا بود که در یک برخورد استثنائی اعلام کرد که «تجزیه ایران بما مربوط نیست».

خبر مزبور نشان میدهد که چرا فعالیت های سیاسی براندازی داغ، داغ جمهوری اسلامی از جمله؛ «امیدوارم براندازی جمهوری اسلامی ۷۲ ساعت بیشتر طول نکشد» (از فرمایشات اعلیحضرت در جنوب فرانسه) چگونه سرد، سرد و تبدیل به جامعه مدنی مقاومت مدنی و مبارزه مدنی، و آشتی ملی شد و بموازات آن لاشخورهای ایران چه تعدادی سازمانهای مدنی در ایران تشکیل دادند و در خارج هم بموازات آن هرچه سازمان اسمی بوجود آمد، باشعار مبارزه مدنی و بدون خشونت بود زیرا سیاست آمریکا براندازی جمهوری اسلامی نیست بلکه تغییر رفتار جمهوری اسلامی است یعنی همین روشی که اکنون شیخ حسن بنمایش در آورده و برای اینکه لاشخورها بتوانند از لاشه ای که آمریکا بمیانشان میاندازد استفاده کنند باید به خواسته آمریکا عمل کنند و میکنند.

ماکه خبر نداشتیم قانون توریچلی و هلمز برای پشتیبانی از جامعه مدنی و مبارزه مدنی با بودجه ۳۶ میلیون دلاری درکنگره آمریکا وضع شده خیال کردیم همینطوری یک دفعه مسئله براندازی غلاف و مبارزه مدنی از غلاف مبارزه بیرون آمد و کسانی هم مانند رامین جهانبگلو به مصداق «لاف در غربت» گفت: «این فکرو فعالیت من بود که باید خشونت پرهیزی را درپیش گرفت»

(مصاحبه با ایران امروز)

آقای استفیلا رئیس سابق سازمان سیا درواشنگتن پست نوشت:

کمک به مخالفان خمینی یک شرط دارد که کمک به حدی نباشد که گروههای تبعیدی بتوانند از آن برای براندازی حکومت خمینی استفاده و وارد عمل شوند؛ کسی از آنها نمیخواهد که آنها دست به چنین کاری بزنند. (کیهان لندن شماره ۱۲۵ صفحه ۱۱)

یعنی سیاست آمریکا براندازی جمهوری اسلامی نیست و به اعتبار همین سیاست، دیگر کلمه براندازی از ساحت مبارزه ایرانیان علیه جمهوری اسلامی رخت بر بست و شد مثل جن و بسم الله.

در سابق تحریری تحت عنوان (مهار استراژی و هدف مبارزه ایرانیان خارج) ^۲ تقدیم شد که هرچه تحقیق بیشتری در این مورد بعمل آید اصالت تحریر مزبور بیبیشتر خودنما میگردد که مبارزه ایرانیان علیه

جمهوری اسلامی بطورکلی ودقیق زیرمهمیز آمریکاست وباکمال تاسف میتوان اذعان داشت که **استراتژی آمریکا نسبت به اپوزیسیون، عملاً بوسیله اعلیحضرت درمسیر اجرا گذاشته میشود.**

روزنامه صبح ایران لوس آنجلس دراین باره نوشت:

«همه ماموظفیم که بیانیه ها وسخنان شاهزاده راخط به خط بطوردقیق بخوانیم وبه ذهن بسیاریم چراکه هرخط آن پیام خاصی رادربرمیگیرد واین پیامها با توجه به خط مشی سیاسی آمریکا ودیگرکشورهای جهان دررابطه باایران است.»

امانت تحقیق

امانت تحقیق، توجه به حاشیه زیرالازم میسازد:

حاشیه = نشریه نیویورکرنوشت «رضاپهلوی دردهه هشتاد میلادی ازکمک های مالی آمریکا برخورداربود».

دفتررضاپهلوی خبرراتکذیب کرد وگفت که منبع در آمد ایشان ازسوی ایرانیانی است که برای سرنگونی جمهوری اسلامی فعالیت میکنند وهمچنین اعلیحضرت درمصاحبه با وب گاه صبح امروز در دیمه سال ۹۰ فرمودند «ازکسانی که اتهام دریافت پول ازآمریکا رابه من نسبت میدهند حق شکایت خواهم داشت»
پایان

ادامه موارد تجانی

۱۰. * تحریم کوبا وتحریم ایران – درسال ۱۹۶۰ معاون وزیرامورقاره ای آمریکای شمالی وجنوبی گزارشی به وزیرمتبوع خود داد براین منوال: «بیشترکوبایی ها ازکاستروپشتبانی میکنند – اپوزیسیون قابل توجهی درکوبا وجود ندارد. تنهاراه، تحریک ونارضایتی ونامیدی مردم وازدیاد مشکلات اقتصادی وقحطی است وراه کار عبارت ازتحریم هرگونه سرمایه گذاری وغیره ودرنتیجه کاهش در آمد وموجب گرسنگی وسرنگونی دولت خواهد شد».

** درمورد ایران، نقش معاون وزیرامورقاره ای آمریکای شمالی را نمایندگان خود ساخته جنبش سبز درخارج ازکشورعهده دارشدند وازآمریکا خواستند که تحریم های شوک آوربه ایران تحمیل کند.

عبارت کامل آنها این است «آنها گفتند برای اینکه تحریم ها موثرباشد باید بصورت شوک آور وارد شود که فلج کند نه بصورت واکسن».

و بعد از آن بود که دیوید کوهن معاون خزانه داری آمریکا گفت: «ایران را با تحریم ها درباطلاق فرو میبریم».
(کیهان تهران سه شنبه ۲۶ آذر سال ۹۲)

۱۱. * در دومین گزارش کمیسیون مددکارانه برای کوبای آزاد ۳۱ میلیون دلار برای اپوزیسیون کوبای آزاد اختصاص یافت تازمانی که دیکتاتور سرنگون شود (این تاکید رابه یاد داشته باشید که هنگام نقد عقدنامه وصلت قابل استفاده خواهد بود)

در این طرح، آموزش و تجهیز روزنامه نگاران مستقل، رسانه های نوشتاری، رادیو، تلویزیون برای کوبا پیش بینی شده است. (خانم رایس - واشنگتن ۲۰۰۶)

**** کثرت تعداد برنامه های رادیویی و تلویزونی ایران که تماما در یک خط روشن یعنی جاناندازی سیاست آمریکا فعالند و همگی آنها هم به دروغ مدعی اند که از کمک مردم و فروش جنس و آگهی اداره میشوند کتمان حقیقت میکنند همانطور که در طرح کمک به کوبا بودجه خاصی به تربیت و اداره رسانه ها اختصاص داده در مورد اپوزیسیون ایران هم همان روش جاری است.**

۱۲- * دولت آمریکا بارها اعلام کرده که اسامی افراد اپوزیسیون کوبا که از آمریکا کمک دریافت میکنند را هرگز افشا نخواهد کرد، معهذا برخی از افراد سرشناس اپوزیسیون کوبا از قبیل لورا یونس از گروه بانوان سفید پوش آشکار، میگوید: >ما کمک و پشتیبانی از هر کجا که باشد راست و یا چپ بی هیچ قید و شرطی قبول میکنیم (۱)

توضیح = بانوان سفید پوش آشکار چیزی شبیه به آزادیهای یواشکی است که خانم علینژاد راه انداخت (پایان)

رنه گومز، یکی از مخالفان رژیم کوبا در مورد ایالات متحده میگوید: >چنین کمکهایی را نباید پنهان کنیم و یا از آن شرم داشته باشیم < (۲)

آسوشد پرس نوشت: > ۳۳ میلیون دلار به جامعه مدنی کوبا اختصاص داده شده تقریباً تمام کوبایی های اپوزیسیون از مسکن رایگان - آموزش سطح دانشگاهی رایگان بهره مند هستند و علاوه بر این از امکانات غذایی و بهداشتی نیز برخوردار میباشند.

جاتانان فارار نوشته است: > اپوزیسیون کوبا به دلیل حقوقی که میگیرند سطح زندگی شان به شکلی است که هیچ کوبایی به آن دسترسی ندارد.

نبود برنامه و طماعی اپوزیسیون که نه تنها به حقوقی که بعنوان اپوزیسیون میگیرند قانع نیستند، مدام تقاضای بیشتر برای ارتقای سطح زندگی طرفدارانشان هستند. (۳)

خانم سانجریکی از برجسته ترین افراد اپوزیسیون که با آقای اوباما هم ملاقات داشته گفته است:

> مسئله این نیست که کمکها از کجا بدست میآید بلکه مهم این است که ما باین کمکها چه میکنیم. (۴)

(۱)- خودداری آمریکا از افشای نام حقوق بگیران اپوزیسیون ایرانی سبب گردیده که قبح عمل مزبور بکلی فراموش شود و بی پروائی در خدمت به کشور بیگانه بصورت یک راه حل تامین زندگی درآید.

(۲) در اپوزیسیون ایران هم کسانی مانند منوچهر محمدی هستند که گفته: > ما نباید پولی که از آمریکا میگیریم مخفی کنیم و یا خجالت از گفتن آن بکشیم < و همچنین کسانی مانند

منوچهرگنجی هستند که دریافت کمک های مالی را از آمریکا تائید میکنند و برعکس هم بسیاری هستند که مرتبا سفر میکنند و هیچ شغل و کاسبی هم ندارند و منبع در آمد آنها همان پول آمریکاست ولی کتمان میکنند. (عباس فخرآور)

چه رسوائی بزرگی است که آمریکا روزی اسامی نوکران و جیره بگیران خود را انتشار دهند.

(۳)- طماعی اپوزیسیون کوبا منحصر به آنها نیست اپوزیسیون ایرانی هم از این مضرت بی بهره نیست

مایکل لدین آمریکائی حامی فخرآور بود که خطاب به بخشی از ایرانیان که در حضورش بودند گفت: <آنقدر از ما آمریکائی ها گدائی نکنید> اصولا کسی که کار نمیکند عادت به گدائی و طمع کاری پیدا میکند.

(۴)- مطلبی راکه خانم سانجر گفته بسیار با اهمیت است و از آنجا که پراختی های به افراد اپوزیسیون مضمول حسابرسی آمریکا نمیشود و از طریق بنیاد ها و سازمان های غیردولتی پرداخت میشود مطابق میل و علاقه گیرنده وجه مصرف میشود برخی اقساط خانه خریداری شده را میدهند و برخی قمار میکنند و برخی هم که قدری محتاط هستند با حسابسازی برای مسافرت و تشکیل جلسه و متفرعات آن، بظاهر پیش خود تسویه حساب میکنند. گزارش آقای منوچهرگنجی از رسیدگی به کارجبهه نجات یک مورد از آن حسابسازی هاست که از جمله معلوم شد وجوه دریافتی جبهه نجات از آمریکا به بانکهای سوئیس منتقل شده است.

۱۳- * سالم سامرائی گزارش مفصلی از طریق جوایزی که به خانم سانجر، یکی از سرشناسان اپوزیسیون کوبا تعلق گرفته با اعجاب یاد کرده و نوشته است آنقدر جایزه نقدی گرفته که تا پایان عمر میتواند راحت زندگی کند، در حالیکه دیگران خیلی بیشتر از او سزاوار جایزه بوده اند.

** جریان مزبور عینا در اپوزیسیون ایران نیز قابل ملاحظه است یکی از آن اشخاص خانم شیرین عبادی است که بیچ میخورد یک جایزه نقدی میگیرد و دیگری اکبرگنجی است که برای یک مقاله، آمریکا ۵۰۰ هزار دلار به او پرداخت شده است.

۱۴- * بسیاری از منتقدین تهران و واشنگتن حتی برخی در درون دولت آمریکا معتقدند که کمکهای مخفیانه مالی در حال تخریب چهره سازمان های غیردولتی چه در ایران و چه در آمریکا است - آقای سانول بخاش همسر هاله اسفندیاری هم گفته روشنفکران داخل و خارج معتقدند که کمک های مالی، برای شروع دمکراسی در ایران آسیب زیادی به دانشگاهیان و روشنفکران وارد ساخته و مالیخونیائی رژیم را افزایش داده است.^۳

آقای سالم سانرائی اظهار نظر حقوقی دارد بر اینکه <از دیدگاه حقوقی، اپوزیسیون هائی که از آژانس دولتی و یا ایالت متحده پول دریافت میکنند در وضعیت عامل خدماتی برای قدرت خارجی قرار میگیرند یعنی نقض کننده قانون جزای کوبا و مانند هر کشور در جهان است>

۳ - اگر به دو واژه «مالی» و «ملی» توجه کنید یک «الف» باهم فرق دارند، هر جا که «ملی» بکار میرود خاطر جمع باشید که «مسئله» «مالی» حتما در جریان است.. چرا که فاصله «یک الف» است و «الف» که ارزشی ندارد.. ح-ک

بجاست که این نکته هم گفته شود که آژانس آمریکا باتوجه به اظهار نظر حقوقی بالا گفته است.
> هیچ کس در پذیرش و پشتیبانی از برنامه های دولت آمریکا اجباری ندارد (رفع مسئولیت از خود).

تفاوت در اپوزیسیون ایران و کوبا

جهات هماهنگی بین اپوزیسیون ایرانی و کوبائی به اختصار عرض شد اشاره به یک تفاوت بسیار مهم بین دو اپوزیسیون هم بجاست.

از اپوزیسیون کوبا هیچ فعالیتی در جهت تجزیه کوبا منتشر نشده ولی برعکس رکن اصلی فعالیت بخشی از اپوزیسیون ایران که طرف ایرانی، خود را رئیس آن معرفی کرده تجزیه ایران است.

عقد نامه وصلت در تحریر آینده